



The Role and Position of Higher Education in Economic Growth and Development

Aboutaleb Seadati Shamir^{1*}

1. Assistant Professor, Department of Educational Psychology, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran
(Corresponding Author).

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 54-63

Corresponding Author's Info

Email: seadatee@srbiau.ac.ir

Article history:

Received: 22 April 2022

Accepted: 06 September 2022

Published online: 22 November 2022

Keywords:

Economic Growth, Economic Development, Educational System, Higher Education

ABSTRACT

A suitable educational system, especially higher education, will be the main prerequisite for the development of any country and the country's movement in the direction of the first world countries. The purpose of this research is to investigate the role and position of higher education in economic growth and development. The theoretical basis of this research is based on the theories of human capital, human development and approaches related to the return on investment in education. Thus, this article explores and describes the process of achieving economic development through higher education. The research method of this research is library type and by reviewing domestic and foreign books and articles. The obtained results indicate that, firstly, increasing the productivity of higher education has a positive and significant effect on economic growth. Second, investment in university education will have a positive effect on economic growth. It is clear that in addition to the quantitative and qualitative expansion of the university system, in order to achieve a balanced, comprehensive and fair development, other factors such as infrastructure, the state of the macroeconomic environment, the level of health and education of the country's population, the size of the market, the open market, political stability and democracy, the efficiency of goods production, labor and financial market, technological readiness, political conditions, economic and social stability, absence of corruption, efficient bureaucracy, etc. must be present.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Seadati Shamir, A. (2022). "The Role and Position of Higher Education in Economic Growth and Development" . *Journal of Management, economics and Entrepreneurship*, 3(3): 54-63.



دوره سوم، شماره سه، پاییز ۱۴۰۱

نقش و جایگاه آموزش عالی در رشد و توسعه اقتصادی

ابوطالب سعادت‌تی شامیر^{*۱}

۱. استادیار، گروه روانشناسی تربیتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

چکیده

نظام آموزشی مناسب، بویژه آموزش عالی پیش شرط اصلی توسعه یافتگی هر کشور و حرکت کشور در مسیر کشورهای جهان اول خواهد بود. هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش و جایگاه آموزش عالی در رشد و توسعه اقتصادی است. پشتوانه نظری این پژوهش، بر نظریه‌های سرمایه انسانی، توسعه انسانی و رویکردهای مرتبط با بازده سرمایه‌گذاری در آموزش متکی است. بدین ترتیب، این مقاله فرایند دستیابی به توسعه اقتصادی را از طریق آموزش عالی جست و جو و بیان میکند. روش تحقیق این پژوهش از نوع کتابخانه‌ای و با بررسی کتاب‌ها و مقالات داخلی و خارجی صورت گرفته است. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که اولاً، افزایش بهره‌وری آموزش عالی، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد. ثانیاً، سرمایه‌گذاری در آموزش دانشگاهی، بر رشد اقتصادی تأثیر مثبتی خواهد داشت. پرواضح است که علاوه بر گسترش کمی و کیفی نظام دانشگاهی برای رسیدن به توسعه‌ای متوازن و فراگیر و عادلانه عوامل دیگری چون زیرساخت‌ها، وضع محیط کلان اقتصادی، سطح بهداشت و آموزش جمعیت کشور، اندازه بازار، بازار باز، ثبات سیاسی و دموکراسی، بازده کالاهای تولیدی، بازار کار و مالی، آمادگی فناورانه، شرایط سیاسی، ثبات اقتصادی و اجتماعی، وجودداشتن فساد، بروکراسی کارآمد و ... باید حضور داشته باشند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

صفحات: ۶۳-۵۴

اطلاعات نویسنده مسئول

ایمیل: seadatee@sbiau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱

واژگان کلیدی: رشد اقتصادی، توسعه

اقتصادی، نظام آموزشی، آموزش عالی

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

آموزش از طریق ارتقاء مهارت‌ها، توانایی‌ها و شایستگی‌های فردی منجر به انباشت سرمایه انسانی در فرد و جامعه می‌شود و دامنه آزادی فرد را به وسیله افزایش توانمندی‌های او توسعه می‌دهد. برای تبیین تأثیر آموزش بر سرمایه انسانی دو رویکرد عمده وجود دارد: رویکرد بهره‌وری و رویکرد قابلیت‌(Barlett and Chase, 2004) در رویکرد بهره‌وری هدف از آموزش تنها افزایش بهره‌وری نیروی کار است اما در رویکرد قابلیت‌به آموزش، ارتقاء بهره‌وری نیروی انسانی از نتایج میانی است و آنچه بیشتر حائز اهمیت است، ارتقاء فرهنگی و اجتماعی ناشی از آموزش است. از سوی دیگر در نظام بین‌المللی نوین تقسیم کار، آموزش نقش محوری را در تقسیم کشورهای جهان دارا است و کشورهایی که از نظام آموزشی مطلوبتری برخوردارند توانسته‌اند با استفاده از تولیدات با فناوری بالا و دانش بنیان از رشد اقتصادی پایداری برخوردار گردند. بر این اساس تجربه دو کشور ژاپن و چین در خصوص آموزش و نظام آموزشی مرور می‌شود. میتوان نتیجه گرفت که طراحی نظام آموزشی مناسب پیش شرط اصلی توسعه یافتگی هر کشور و حرکت کشور در مسیر کشورهای جهان اول خواهد بود (Wals, & Jickling, 2012).

امروزه کشورهای جهان، سعی در ایجاد ارتباط بین آموزش عالی و برنامه‌های توسعه ملی و ارتقای دانش و فناوری دارند؛ از این رو، سیاست‌های توسعه ملی به طور اصولی به آموزش متصل است. در واقع، میتوان گفت که یکی از پرازشترین منابعی که جامعه برای پیشرفت و توسعه در اختیار دارد، دانشگاه است. در اغلب کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه، حل مسائل و رفع نیازمندی‌های اهداف ملی را در دانشگاهیان تحقق بخشیده‌اند و امروزه اکثر کشورهای جهان سوم بر این باورند که پایه اصلی توسعه ملی، گسترش کمی و کیفی سریع فرصت‌های آموزشی است. هر چه آموزش بیشتر و با کیفیت بهتر ارائه شود، توسعه ملی سریعتر صورت خواهد پذیرفت (Bath, et al, 2007)

آموزش عالی، عامل تحرک اجتماعی و اقتصادی و یکی از فاکتورهای مهم و تأثیرگذار بر توسعه جوامع، محسوب می‌شود. نقش آموزش عالی، بویژه در رویکرد‌های جدید توسعه

اقتصادی، از اهمیت بیشتری برخوردار است. دلیل این امر آنست که در رویکردهای نوین، توسعه، فرآیندی درون‌زا است که بایستی بر توانایی‌ها و امکانات بومی و منطقه‌ای استوار گردد و آموزش عالی از آنجا که می‌تواند بهره‌وری و استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بومی و منطقه‌ای را تسریع و تسهیل نموده و سرمایه انسانی و اجتماعی مورد نیاز برای پیشبرد توسعه را فراهم نماید، از جایگاه ویژه‌ای در این رابطه، برخوردار است. (Chen, et al, 2019) از همین روی در سالیان اخیر، در بسیاری از کشورها، قوانینی وضع و تمهیداتی اتخاذ شده که بر اساس آن، از آموزش عالی و دانشگاهها خواسته شده، نسبت به جامعه محلی و محیط پیرامونی، احساس مسئولیت بیشتری داشته و در برنامه‌های توسعه، بصورت مستقیم و تأثیرگذار، مشارکت کرده و در فضای منطقه‌ای، به مثابه نیروی محرکه و کانون پخش فضایی توسعه، عمل نمایند (Wakkee, et al, 2019).

آموزش عالی از جهات مختلفی در تمامی ابعاد توسعه نقش اساسی دارد. یکی از نقش‌های مهم در این زمینه، تأثیر آموزش عالی بر توسعه اقتصادی است. امر آموزش، از جهات متفاوتی در مسائل مربوط به توسعه اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد. طبق نظریه سرمایه انسانی، تحصیلات بیشتر و هر نوع مهارت و آموزشی که فرد میبیند در وی ظرفیت و قابلیت ایجاد میکند که میتواند جریان درآمدی بیشتری را در آینده به وجود آورد؛ (Davidson, 2010) بنابراین، آموزش و افزایش توانایی و مهارت، در واقع به منزله سرمایه‌هایی است که مانند هر سرمایه فیزیکی دیگر بازدهی اقتصادی دارد. دیدگاه سرمایه انسانی که از سوی «تئودور شولتز» و «گری بکر» به رشته تحریر درآمد ما را متوجه این حقیقت میکند که دستیابی به میراث بالای توسعه یافتگی در کشورهای پیشرفته مرهون آموزش و به خصوص ارائه آموزش عالی است؛ بدین ترتیب، این مقاله فرایند دستیابی به توسعه اقتصادی را از طریق آموزش عالی جست و جو و بیان میکند. قابل ذکر است روش تحقیق این پژوهش از نوع کتابخانه‌ای و با بررسی کتاب‌ها و مقالات داخلی و خارجی صورت گرفته است.

در ایران و در راستای برنامه‌های توسعه اقتصادی، چنین نقش آفرینی از سوی بخش آموزش عالی و دانشگاهها، مورد توجه

جامعه در فهم و درک مسئولیت پذیری و داشتن مسئولیت برای ایجاد آینده‌های پایدار است (یونسکو، ۲۰۱۴)

نقش و جایگاه آموزش عالی در رشد و توسعه اقتصادی

توسعه فرایندی چند بعدی است که شامل تغییرات عمده در ساختارهای جمعی نهادهای ملی و نیز افزایش در سرعت رشد اقتصادی کاهش نابرابری و ریشه کن شدن فقر است (۲۰۱۲ Todaro et al., امروزه این باور عمومی در میان تمامی کشورها وجود دارد که نیل به رشد و توسعه اقتصادی تنها در سایه دستیابی به دانش جدید و ایده های نو امکان پذیر است که از طریق انجام پژوهش های کاربردی بنیادی و توسعه ای در سطوح مختلف حاصل میشود آموزش عالی با تلفیق آموزش و پژوهش، می تواند نقش مؤثری در ارتقاء دانش کشورها داشته باشد؛ تا آنجا که در عصر کنونی به عنوان موتور توسعه کشورها تلقی میشود (۱۵ ۱۹۹۴, Castell), آموزش عالی حداقل از سه طریق میتواند بر رشد اقتصادی اثر گذار باشد:

۱- انباشت مهارتها و تواناییها -۲ تولید دانش جدید از طریق ابداع و نوآوری؛ ۳- تسریع در دستیابی به فناوریهای پیشرفته ظرفیت نیروی کار، تواناییهای کشور را برای ایجاد رشد و ثروت تعیین می کند. در نیمه دوم قرن بیستم، در ادبیات مربوط به نظریه های توسعه اقتصادی، تغییر تمرکز از انباشت سرمایه فیزیکی به نیاز به سرمایه گذاری در سرمایه انسانی مشاهده می شود که این امر نشان دهنده اهمیت آموزش و اشکال مختلف آن به منزله پیش شرط رشد و مقابله با چالش هایی است که در آن زمان با آن روبه رو بودند؛ مانند فرار مغزها از کشورهای جهان سوم یا از بخش خصوصی به بخش عمومی و بسیاری دیگر. یکی از اولین نویسندگانی که درباره اهمیت سرمایه انسانی صحبت کرد، تتودور شولتر بود (Holden & Biddle, 2017).

در زمینه بررسی اهمیت آموزش در فرایند توسعه اقتصادی، سه رویکرد سرمایه انسانی، توسعه انسانی و بازده سرمایه گذاری در آموزش اهمیت ویژه ای دارند و به منزله چارچوب نظری برای بررسی وابستگی متقابل آموزش و توسعه یا تحلیل اهمیت

قرار نگرفته و به تبع آن، دستور کار مشخصی برای دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در این زمینه، تدوین نشده است. موید این امر برنامه پنج ساله پنجم توسعه کشور است که در فصل های دوم (علم و فناوری) و ششم (توسعه) آن، که در آنها بطور مشخص به مبحث آموزش عالی و توسعه پرداخته شده، هیچ درخواستی از بخش آموزش عالی و دانشگاهها، برای ایفای نقش موثر و مشارکت مستقیم در برنامه های توسعه منطقه ای، به عمل نیامده است. از این روی در این پژوهش، بررسی نقش آموزش عالی در توسعه اقتصادی، در دستور کار قرار گرفت.

آموزش عالی و توسعه پایدار

امروزه تمرکز بر رشد اقتصادی منجر ایجاد به این سوال شده که آیا توسعه پایدار در نسلهای گذشته نیز مورد توجه بشر بوده است (هامل و آرگیورو، ۲۰۲۱) توسعه پایدار به عنوان مهمترین و بزرگترین چالش جوامع در قرن بیست و یکم قلمداد شده است و بدون شک توسعه پایدار مفهومی جز استمرار حیات برای آینده نسل بشر نداشته و نخواهد داشت. توسعه پایدار مفهومی جدید از توسعه علمی است توسعه پایدار نیازمند این است که ما نه تنها مفهوم توسعه اقتصادی، بلکه مفهوم توسعه اجتماعی را نیز تغییر دهیم. توسعه شهری به عنوان نوعی توسعه اجتماعی و اقتصادی تجسم مهمی از فرایند توسعه پایدار است (سانگ، ۲۰۱۱). توسعه پایدار به توسعه همه جانبه، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی می گویند؛ توسعه پایدار به عنوان پاسخگویی به نیازهای نسل حاضر بدون به مخاطره انداختن توانایی نسلهای آینده برای رفع نیازهای خود تعریف شده است متولی برنامه آموزش برای توسعه پایدار یونسکو می باشد و برنامه مذکور دارای چهار بعد اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، زیستی محیطی و حدود سی و سه مقوله میباشد که برخی از آنها عبارت اند از حاکمیت مناسب، تساوی جنسیتی صلح، حقوق بشر، دسترسی به آموزش مبارزه با مواد مخدر، حفظ میراث فرهنگی و دانش سنتی و بومی شهرنشینی، فقر و امنیت، غذایی تغییرات آب و هوا بلایای طبیعی و موارد دیگر هدف آموزش برای توسعه پایدار توانمندسازی مردم و

دانش، مهارت و ظرفیت کلی نیروی کار، به‌طور مستقیم بر رشد درآمد ملی تأثیر می‌گذارد. به گفته شولتز، سرمایه انسانی کالایی است که ارزش آن به پنج دسته سرمایه‌گذاری در افراد بستگی دارد: (۱) سلامت، از جمله تغذیه؛ (۲) مهاجرت که فرصت‌های شغلی را افزایش می‌دهد؛ (۳) آموزش شغلی یا آموزش در محل کار؛ (۴) برنامه آموزشی رسمی؛ (۵) برنامه‌های مطالعاتی برای بزرگسالان. شولتز معتقد است مردم ثروت ملی‌اند و سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی بهترین تبیین برای علت تفاوت در تولید ملی است (Osmanković et al., 2011: 71). شولتز معتقد است سرمایه انسانی به دلیل وجود بیش از حد آن (برای مثال بیکاری) به هدر می‌رود. بیکاری به دلیل تطابق نداشتن عرضه و تقاضای نیروی کار و ناهماهنگی بین بازار کار و سیاست آموزشی شکل می‌گیرد.

از طرف دیگر، در آثار بکر و مینسر، سرمایه انسانی از منظر نقش آموزش در افزایش درآمد یعنی افزایش فرصت برای منافع شخصی تحلیل شده است. آرو در الگوی خود با عنوان «یادگیری با عمل» این فرضیه را بیان داشت که در صنایع نوظهور، سودآوری هر بنگاه اقتصادی به تجارب انباشته‌شده در صنعت بستگی دارد که چنین انباشت یا مازادی به این معناست که نیروهای بازار سبب سرمایه‌گذاری بهینه خواهد شد؛ به عبارت دیگر، فرض بیشتر نویسندگان در تحلیل رابطه بین آموزش و توسعه آن است که دانش، کالایی عمومی با اثرات جانبی مهم است (Hummels & Argrou, 2021).

در حالی که در الگوی رشد اقتصادی سولو، پیشرفت فناورانه منبع رشد بود، لوکاس اظهار داشت که منبع دیگر رشد، انباشت سرمایه انسانی است. دو منبع اصلی انباشت سرمایه انسانی در رویکرد لوکاس عبارت بودند از: آموزش و یادگیری با عمل. لوکاس همچنین بر اهمیت اثرات جانبی و اهمیت آنها در آموزش تأکید کرد. سهم نلسون و فلیپس در نظریه سرمایه انسانی در این گزاره خلاصه می‌شود که رشد از ذخیره سرمایه انسانی نشئت می‌گیرد و این امر بر توانایی کشور در ایجاد نوآوری تأثیر می‌گذارد و موجب رسیدن آنها به سطح کشورهای توسعه‌یافته می‌شود. تفاوت در میزان رشد در درجه اول نتیجه تفاوت در ذخیره سرمایه انسانی و توانایی کشورها در شکل‌دهی به پیشرفت‌های فناورانه بوده است. آنها همچنین معتقد بودند

روزافزون آموزش در فرایند توسعه استفاده می‌شوند که در ادامه هر یک به‌طور جداگانه تشریح می‌شود.

رویکردهای آموزش در فرایند توسعه اقتصادی

سرمایه انسانی

سرمایه انسانی بر ذخیره دانش، مهارت، صلاحیت، توانایی‌ها و سایر خصوصیات دلالت دارد که به‌طور عمده از طریق آموزش کسب می‌شوند و بر بهره‌وری و کیفیت کار تأثیر مثبت می‌گذارند. براساس نگرش مدیریتی، سرمایه انسانی، منبع تجاری یا دارایی است که از ارزش بازار شکل می‌گیرد. از دیدگاه اقتصاد کلان، سرمایه انسانی از عوامل اصلی تولید است؛ به این ترتیب، در ادبیات رشد اقتصادی، مفهوم سرمایه انسانی با توسعه دانش اقتصادی پیوند وثیقی دارد (حسن‌پوررودبارکی و لبادی، ۱۳۹۵: Biddle, & Holden, 2017; Osmanković et al., 2011).

مفاهیم سرمایه انسانی و سرمایه‌گذاری در آموزش بیش از چهار دهه قدمت دارند. علاوه بر شولتز، پژوهشگران دیگری مانند بکر، هانسن، مینسر و دیگران در این حوزه دیدگاه‌های خود را ارائه کرده‌اند. به‌طور کلی، ظهور نظریه سرمایه انسانی نقطه عطفی در بررسی اهمیت آموزش در اقتصاد واقعی بود؛ با این حال، با آثار آمارتیا سن بود که بر اهمیت آموزش به‌منزله مؤلفه‌ای از توسعه انسانی، در زمینه ایجاد و تحولات اجتماعی تأکید شد (Osmanković et al., 2011).

به‌طور کلی ادبیات مربوط به نظریه سرمایه انسانی به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. ادبیات مربوط به سنجش سرمایه انسانی و آموزش با استفاده از رویکرد هزینه. این رویکرد به‌وسیله شولتز، کندریک و ایسنر در پژوهش‌ها استفاده شد.

۲. ادبیات مربوط به سنجش سرمایه انسانی و آموزش با استفاده از رویکرد درآمد. این رویکرد در آثار جورجنسون و فرایومنی غالب بود.

شولتز و دنیسون آموزش را در زمینه و بستر «مازاد سولو» تحلیل کرده‌اند که به برابری پیشرفت فناوری تبیین شده است؛ با این استدلال که نابرابری سطح توسعه را می‌توان از طریق سرمایه انسانی تبیین کرد. آنها نشان دادند آموزش با افزایش

سعی در ایجاد الگویی بهینه از ترکیب سرمایه‌های انسانی، نهادی و اجتماعی دارد تا بیشترین مزایای ممکن را برای فرد ایجاد کند؛ به‌گونه‌ای که سن آن را دولت رفاه می‌نامد (Osmanović et al., 2011).

از نظر سن، اجرای سیاست توسعه انسانی دو اثر مستقیم و غیرمستقیم دارد. اثر مستقیم آن، از طریق افزایش سواد و بهداشت و امید به زندگی بر کیفیت زندگی مردم است، حتی اگر سبب توسعه اقتصادی و توسعه صنعتی نشود. اثر دوم آن از طریق افزایش امکانات آموزشی و بهداشتی نیست؛ بلکه از طریق توسعه اقتصادی است؛ یعنی رشد صنعتی را تسهیل می‌کند، کارایی را بهبود می‌بخشد و تمامی این عوامل به‌نوبه خود در ارتقای کیفیت زندگی مؤثرند (Huaruo et al., 2020).

این نظریه تنها نظریه اقتصادی نیست؛ بلکه به رویکرد میان‌رشته‌ای از منظر بهداشت، محیط زیست، مسائل جنسیتی، عدالت اجتماعی، پایداری و غیره نیاز دارد. نظریه توسعه انسانی نگرش جامعی است و همه جوانب فرایند توسعه را در مرکز قرار می‌دهد. جدول زیر تحلیل مقایسه‌ای از نقش و اهمیت مردم در سه رویکرد مهم نظری در مطالعات توسعه اقتصادی را نشان می‌دهد. براساس این جدول می‌توان مشاهده کرد که چگونه نقش مردم (سرمایه انسانی) در رویکردهای نظری تکامل یافته و شیوه‌های اندازه‌گیری در روش‌های مختلف تغییر کرده است.

آموزش به افراد کمک می‌کند به محصولات و ایده‌های جدید کشف و ارائه شده در جای دیگری، آگاهی یابند. پک (۱۹۹۴) تلاش کرد ریشه‌های تفاوت‌های بین‌المللی در بهره‌وری را شناسایی کند. در بررسی او سطح آموزش از مهم‌ترین منابع شناخته شد؛ با این حال، اگر دانش جدید از خارج از کشور وارد نشود یا اگر بهره‌وری داخلی افزایش جالب‌توجهی نداشته باشد، بازده آموزش کمتر خواهد بود؛ در واقع، همان طور که لوکاس اظهار داشت تأثیرات بیرونی سطح آموزش بالاتر هنگامی رخ می‌دهد که فناوری‌های جدید به سرعت وارد شوند.

ضعف اصلی نظریه سرمایه انسانی نادیده گرفتن نیاز به توانمندسازی مردم به‌ویژه مشارکت آنها در فرایند توسعه است. توانمندسازی مردم از طریق درآمد، آموزش و بهداشت در نظریه سرمایه انسانی تحلیل نشده است؛ اما بعداً به بخشی از رویکرد آمارتیا سن به توسعه انسانی تبدیل شد (in: Osmanović et al., 2011: 71).

توسعه انسانی

آمارتیا سن، بنیان‌گذار نظریه توسعه انسانی، به همراه محبوب الحق، سهم جالب‌توجهی در عمومیت یافتن رویکرد توسعه انسانی، گسترش شاخص توسعه انسانی و به‌طور کلی عمومیت یافتن برنامه توسعه سازمان ملل متحد داشتند. مؤلفه‌های اصلی توسعه انسانی عبارت‌اند از: برابری، پایداری، بهره‌وری، توانمندسازی و تکثر فرهنگی. نظریه توسعه انسانی

جدول ۱. مقایسه نظریه سرمایه انسانی و توسعه انسانی با نظریه رشد اقتصادی

نظریه رشد اقتصادی	نظریه سرمایه انسانی	رویکرد توسعه انسانی
عامل تولید	عامل تولید و توسعه (هوش، سلامتی و دانش)؛ کار در مرکز مفهومی به نام اقتصاد دانش بنیان قرار دارد.	ثروت واقعی کشور
نقش مردم	افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی پایدار در نتیجه دانش و فرایند آموزش جمعیت در سن کار	ایجاد محیطی که افراد بتوانند پتانسیل‌ها و خلاقیت‌های خود را با توجه به منافع و نیازهای خودشان افزایش دهند و انتخاب‌های بیشتری داشته باشند.
نحوه سنجش	بازده سرمایه‌گذاری و کارایی سرمایه‌گذاری	HDI, IHDI, MPI, GEM
رشد GDP		

سرمایه‌گذاری در آموزش

مطالعات بانک جهانی نشان داده‌اند سرمایه‌گذاری در سرمایه‌انسانی، در آموزش عالی بازده اقتصادی دارد و شواهد آماری در برخی کشورهای جهان نشان داده‌اند میزان اجتماعی بازده سرمایه‌گذاری در این بخش بالاست و همین موجب شده است سرمایه‌گذاری‌های بیشتری در این بخش انجام شود. جالب‌توجه است که میزان بازده، تنها منافع اقتصادی ناشی از آموزش عالی را ارزیابی می‌کند؛ در حالی که دانشگاه‌ها خالق بسیاری ارزش‌های فردی و اجتماعی‌اند که امکان تقلیل آنها به پول وجود ندارد (Liaghati 2017). سرمایه‌گذاری آموزشی به افراد این توانایی را می‌دهد که درآمدهای آینده خود را افزایش دهند. در اقتصاد اطلاعاتی قرن بیست‌ویکم، آموزش اهمیت فزاینده‌ای دارد. سرمایه‌گذاری در آموزش به افزایش بهره‌وری نیروی کار کمک می‌کند و افراد را قادر می‌کند علاوه بر اینکه کارگران کارآمدی شوند، شهروندان و والدین بهتری نیز باشند (Lozano et al, 2015).

در نظریه معاصر، علاوه بر اصطلاح اقتصاد دانش، بیشتر اوقات اصطلاح «سرمایه‌داری دانش» ذکر می‌شود. این اصطلاح به اثرات مثبت متعدد انتشار دانش بر بهزیستی، وضعیت کلی اقتصادی، بهداشت و ... اشاره دارد. اهمیت آموزش و سیاست آموزشی تا حد زیادی در این واقعیت بازتاب دارد که آموزش، دانشی را تشکیل می‌دهد که مبنای فرایند صنعتی شدن، معرفی فناوری‌های جدید، نوآوری و غیره است. همان طور که رومر

گفت، اقتصاد دانش‌بنیان، دانش ایجاد خواهد کرد و بر این اساس و به سرعت دانش و محصولات جدیدتر را کسب خواهد کرد. رومر اولین مطالعه تجربی درباره بازده سرمایه‌گذاری در آموزش را در سال ۱۹۷۳ منتشر کرد. همین نویسنده مطالعه بعدی را در سال ۱۹۸۱ با تحلیل سیزده کشور دیگر تکمیل کرد. طبق نظر ساخاروپولوس، متون مربوط به تحلیل بازده سرمایه‌گذاری در آموزش به دو موج تقسیم می‌شوند: (Vare et al, 2019)

موج اول: تحلیلی که با شولتز و بکر در دهه ۱۹۵۰ آغاز شد و تا امروز ادامه دارد که از نظر ذاتی توصیفی‌اند.

موج دوم: تحلیل مبتنی بر کمی‌سازی و اندازه‌گیری بازده سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد و عواید حاصل از سرمایه‌گذاری هرچه بیشتر در آموزش است. نقطه عطف این موج در اوایل دهه ۱۹۷۰ با انتشار کتاب مینسر به وسیله دفتر ملی تحقیقات اقتصادی (NBER) در ۱۹۷۳ بود.

سرمایه‌گذاری در آموزش، مانند هر سرمایه‌گذاری دیگر، مزایا و هزینه‌های خاص خود را دارد. استفاده از روش مناسب برای تحلیل مزایا و هزینه‌های آموزش بسیار اهمیت دارد. صرف نظر از اینکه آیا هزینه‌ها یا مزایا تحلیل شده‌اند یا خیر، هر دو مفهوم را می‌توان از منظر جنبه فردی و اجتماعی نیز درک کرد. در جدول ۲ هزینه‌ها و مزایای هر دو جنبه و روابط متقابل آنها بررسی شده است (Waas, & Hugé, 2015).

جدول ۲. هزینه‌ها و مزایای آموزش برای افراد و جامعه

اجتماعی	فردی	
یارانه‌های عمومی	هزینه‌های مستقیم (از جمله شهریه)	
اثرات سرریز در بهره‌وری نیروی کار	تولید ازدست‌رفته	هزینه‌ها
(وقتی آموزش یک نفر بسبب افزایش بهره‌وری کار همکارانش می‌شود)	(درآمد ازدست‌رفته یا تولیدات دیگر)	
افزایش امکانات فناوری	افزایش بهره‌وری در بازار	
اثرات غیربازاری برای جامعه	اثرات خصوصی غیر از بازار	
(عدالت اجتماعی بیشتر، انسجام بیشتر در جامعه، احساس هویت ملی قوی، پایین آمدن رشد جمعیت، کاهش استرس محیطی، کاهش خطر ابتلا به بیماری‌های عفونی و کاهش میزان جرم)	(سلامتی بهتر شخصی، افزایش ظرفیت برای لذت بردن، آرامش، افزایش کارایی محل کار و سایر انتخاب‌های شخصی)	مزایا

در قیاس با سیاست های کوتاه مدت در این زمینه، به توفیق بیشتر آموزش عالی در اثرگذاری بر رشد اقتصادی منجر شود. علاوه بر این امروزه با مطرح شدن مفهومی تحت عنوان اقتصاد دانش بنیان که مبتنی بر تولید، توزیع و استفاده از دانش است، تفاوت در نرخ رشد کشورها بیش از آنکه متأثر از میزان برخورداری از منابع و مواهب طبیعی و ظرفیتهای صنعتی، باشد ناشی از تفاوت در میزان پویایی نظام آموزش عالی کشورها و توسعه علمی آنها است. گام اولیه در تحقق اقتصاد دانش بنیان، سرمایه گذاری در منابع انسانی است و از این حیث آموزش عالی به طور عام و دانشگاهها به طور خاص به عنوان کانون اصلی تفکر، تولید، علم خلاقیت و نوآوری و تربیت نیروی کار ماهر و متخصص که سرمایه انسانی یک کشور را تشکیل می دهند رسالتی خطیر را بر عهده دارند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله تماماً توسط نویسندگان بصورت مشترک و برابر انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- Barlett, P.F., Chase, G. W. (2004). Sustainability on Campus: Stories and Strategies for Change, MIT Press, Cambridge, MA, P.327 .
- Bath, M., Godemann, J., Rieckmann, M., & Stoltenberg, U. (2007). Developing competencies For sustainable development in higher education, International Journal of Sustainability In Higher Education, 8 (4): 416-430 .

رویکرد سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه (OECD) بر پیامدهای اجتماعی سرمایه گذاری در آموزش از طریق سلامت و مشارکت مدنی و اجتماعی مبتنی است. مطابق با این رویکرد، افزایش سال های تحصیل به طور پیش فرض به معنای افزایش مشارکت مدنی و اجتماعی یا سلامتی نیست؛ بلکه به کیفیت آموزش، مدارس، روش های کار، مفید بودن دانش، مهارت های کسب شده و غیره بستگی دارد. تحلیل ارائه شده به وسیله این رویکرد به ویژه برای تحلیل اهمیت اجتماعی آموزش یا بازده اجتماعی سرمایه گذاری در آموزش اهمیت دارد (Le, et al, 2016).

نتیجه گیری

با توجه به نقش بی بدیل آموزش عالی در تربیت نیروی انسانی ماهر و خلاق، امروزه نه تنها کشورهای توسعه یافته، بلکه بسیاری از کشورهای در حال توسعه با اختصاص سهم قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی خود به آموزش، درصدد هستند از طریق بهبود کمی و کیفی آن، روند رشد و توسعه خود را تسریع بخشند. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که اولاً، افزایش بهره وری آموزش عالی ایران، تأثیر مثبت و معنی داری بر رشد اقتصادی دارد. ثانیاً، سرمایه گذاری در آموزش دانشگاهی، بر رشد اقتصادی تأثیر مثبتی خواهد داشت. پرواضح است که علاوه بر گسترش کمی و کیفی نظام دانشگاهی برای رسیدن به توسعه ای متوازن و فراگیر و عادلانه عوامل دیگری چون زیرساخت ها، وضع محیط کلان اقتصادی، سطح بهداشت و آموزش جمعیت کشور، اندازه بازار، بازار باز، ثبات سیاسی و دموکراسی، بازده کالاهای تولیدی، بازار کار و مالی، آمادگی فناورانه، شرایط سیاسی، ثبات اقتصادی و اجتماعی، وجود نداشتن فساد، بروکراسی کارآمد و ... باید حضور داشته باشند. به عبارتی، در یک محیط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پایدار امکان رشد و اثرگذاری نهادهای علمی بالاتر است؛ بنابراین، برای توسعه اقتصادی نمی توان تنها بر یک بعد مانند دانشگاه و آموزش عالی با قابلیت دسترسی بالا، کیفیت گرا و برابر محور تأکید کرد و از دیگر نهادها مانند خانواده، بهداشت و ... غافل شد؛ بنابراین، توسعه باید همه جانبه باشد و همه سطوح را در بر گیرد. لذا به نظر می رسد، اتخاذ سیاست های بلندمدت

- Transportation Engineering Conference, *Procedia Engineering*, 142: 92 – 99 .
- Liaghati, H., Yazdi, M. and Mobarghaee Dinan, N. (2017). Analytical Investigation of Environmental Higher Education Status in Iran, *Environmental Education and Sustainable Development Journal*, 5(4), 63- 75 .
- Lozano, R., Lukman, R., Lozano, F. J., Huisingh, D. & Lambrechts, W. (2013). Declarations for sustainability in higher education: Becoming better leaders, through addressing the university system, *Journal of Cleaner Production*, 48(2): 10–19 .
- Lozano, R.; K. Ceulemans, M. Alonso-Almeida, D. Huisingh, F.J. Lozano, T. Waas & J. Hugé (2015). A Review of Commitment and Implementation of Sustainable Development in Higher Education: Results from a Worldwide Survey, *Journal of Cleaner Production*, 108: 1-18 .
- Osmankovic, J. Jahic, H. & Sehic, E. (2011) “Education in Economic Theory.” *Economic Review: Journal of Economics and Business*, 9 (1): 63-78.
- Seers, D. (1969). The Meaning of Development, *International Development Review*. 11(1): 3-4 .
- Song, R. (2011). Effect of work motivation on job satisfaction in Mobile telecommunication service organisations of Pakistan, *International Journal of Business and Management*, 5 (11): 213-222 .
- Todaro, M. & Smith, S. (2012). *Economic Development 11th Edition*, Pearson
- Castells, M. (1994). *The University System: Engine of Development in the New*
- Chen, S.; Lu, M.; Tan, H.; Luo, X.; Ge, J. (2019). Assessing sustainability on Chinese university campuses: Development of a campus sustainability evaluation system and its application with a case study, *J. Build. Eng*, 24: 100–747 .
- Davidson, C.L. (2010). Preparing future engineers for challenges of the 21st Century: Sustainable engineers, *Journal of Cleaner Production*, 18: 110- 123 .
- Education. Oxford: Pergamon: 14-40.
- Hardy, C., Maguire, S. (2017). *Institutional Entrepreneurship and Change in Fields*, Sage Publications London .
- Holden, L. & Biddle, J. (2017) “The Introduction of Human Capital Theory into Education Policy in the United States.” *History of Political Economy*, 49 (4): 537-574.
- Huaruo, C., Ling, L., Yonghui, Ma, Ya Wen, Xiyuan, GAO. (2020). Suggestions for Chinese University Freshmen Based on Adaptability Analysis and Sustainable Development Education, *Sustainability*. 12: 1-14 .
- Hummels, H., Argyrou. A (2021). Planetary demands: Redefining sustainable development and sustainable entrepreneurship, *Journal of Cleaner Production*, 27 (4): 123 .
- Le, M. Ngoa, T. Anh, T. (2016). *University-City Complex, a Model for Sustainable Development: a Case Study in Vietnam*. Sustainable Development of Civil, Urban and

- UNESCO. (2014). EFA Global Monitoring Report 2013/4 – Teaching and Learning: Quality for All, Paris, and UNESCO .
- Vare, P.; Arro, G.; de Hamer, A.; Del Gobbo, G.; de Vries, G.; Farioli, F.; Kadji-Beltran, C.; Kangur, M.; Mayer, M.; Millican, R.; Nijdam, C.; Réti, M.; Zachariou, A (2019). Devising a Competence-Based Training Program for Educators of Sustainable Development: Lessons Learned, Sustainability, 11: 125-141 .
- Waas, T & Hugé, J. (2015). A Review of Commitment and Implementation of Sustainable Development in Higher Education: Results from a Worldwide Survey, Journal of Cleaner Production, 108: 1-18 .
- Wakkee, Ingrid & van der Sijde, Peter & Vaupell, Christiaan & Ghuman, Karminder (2019). The university's role in sustainable development: Activating entrepreneurial scholars as agents of change, Technological Forecasting and Social Change, 141: 195-205 .
- Wals, A. E. J., & Jickling, B. (2012). Sustainability in higher education: From doublethink and newspeak to critical thinking and meaningful learning, International Journal of Sustainability in Higher Education, 3: 221-232 .
- World Economy. In: J. Salmi, & Verspoor (eds) Revitalizing Higher.